

دو فصلنامه علمی تاریخ نگاری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سوم، دوره جدید، شماره ۳۲، پیاپی ۱۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۵۷-۴۱

شیوه تاریخ نگاری محمد بن محمد الیمانی در گفتمان تاریخ نگاری اسماعیلیان^۱

علی بابائی سیاب^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

چکیده

محمد بن محمد الیمانی از مؤلفان دربار العزیز بالله پنجمین خلیفه فاطمی است. رساله کوتاه سیره الحاجب تنها متن برجای مانده از اوست که دارای محتوایی تاریخ نگارانه است. این رساله به دستور خلیفه وقت و به شیوه نقلی رویدادهای مربوط به قدرت یابی فاطمیان را ما بین سالهای ۲۸۶ تا ۲۹۷ هجری براساس روایات جعفر بن علی الحاجب پیشکار مخصوص عیدالله المهدی روایت می کند. دورانی یازده ساله از تاریخ فاطمیان که با اعلام امامت از سوی عیدالله المهدی آغاز و با استقرار دولت فاطمیان در رقاده خاتمه می یابد. در این مقاله تلاش شده است براساس شاخصه های نگارشی و نگارشی حاکم بر تاریخ نگاری اسماعیلیان، متن رساله سیره الحاجب از منظر موضوع نگارش تاریخ، روش و رویکرد مسلط بر شیوه نگارش تاریخ و منابع نقل روایات تاریخی، بررسی و تحلیل علمی شود. براین اساس به نظر می رسد که رساله سیره الحاجب با برخورداری از شاخصه هایی چون تاریخ نگاری مقدس با رویکرد کلامی، شیوه ترکیبی در نقل رویدادها و اتکای بر روایات شاهدان عینی و منابع مورد وثوق مورخ اسماعیلی، ذیل گفتمان تاریخ نگاری اسماعیلی قابل دسته بندی است. شیوه پژوهش در این مقاله، تحلیل محتوای کیفی و گردآوری داده ها مبتنی بر جست و جوی کتابخانه ای است.

کلیدواژه ها: فاطمیان، تاریخ نگاری، سیره الحاجب، محمد بن محمد الیمانی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2025.47749.1741

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران: Babaeisiab@hum.ikiu.ac.ir

مقدمه

پس از شهادت امام صادق(ع) به دلیل اختلاف بر سر مصادیق امامت، شقاق‌هایی در جریان تشیع امامی به وجود آمد (نویختی، ۱۹۳۱: ۵۵؛ قمی، ۱۹۶۳: ۷۹-۸۰) که در آن میان، دو گروه قائل به امامت اسماعیل یا فرزند وی (محمد مستور) بودند که در منابع ملل و نحل به ترتیب «اسماعیلیه خالصه/واقفه» و «مبارکیه» نامیده شدند (نویختی، ۱۹۳۱: ۵۸-۵۷؛ قمی، ۱۹۶۳: ۸۱-۸۰). بعد از شهادت امام جعفر صادق(ع)، مبارکیه، بدنه اصلی اسماعیلیان نخستین را شکل دادند. اطلاعات تاریخی اندکی از زندگی و مرگ محمدبن‌اسماعیل در دست است (عمادالدین ادریس، ۱۹۷۸-۱۹۷۳: ۳۵۴/۴-۳۵۱؛ جوبینی، ۱۹۱۲-۱۹۳۷: ۳۱۰-۳۱۲).

طبق برخی گزارش‌ها، وی پس از اقبال اکثر شیعیان امامی به امام موسی کاظم(ع) به سمت مشرق رفت و زندگی مخفیانه‌ای را برگزید (عمادالدین ادریس، ۱۹۷۸-۱۹۷۳: ۳۵۴/۴-۳۵۳) این دوره را اسماعیلیان قدیم «دوره ستر» نامیده‌اند که با قدرت‌یابی خلفای فاطمی به پایان رسید. محمد مستور پس از هجرت، صاحب چهار پسر شد که بنا به عقیده فاطمیان، یکی از آنان موسوم به عبدالله جانشین او شده است (ابن‌عنه، ۱۹۶۱: ۲۳۴؛ ایوانف، ۱۹۳۹: ۹۵ متن کتاب استتار الامام). این عقیده در نقطه مقابل عقیده گروهی دیگر موسوم به قرامطه قرار داشت که قائل به مهدویت محمد مستور بودند.

شقاق میان این دو گروه به سال ۲۸۶ هجری بر می‌گردد؛ یعنی زمانی که رهبر فاطمی مستقر در سلمیه مدعی امامت برای خود بود. این مسئله باعث شد تا رؤسای قرمطی بیعت خود را با جریان مرکزی از هم بگسلند (ابن‌مالک حمادی، ۲۰۰۶: ۲۷ به بعد). قبل از این ادعا، رهبران سلمیه برای خود مقام «حجت» قائل بودند که در حکم رابط میان امام غایب و مردم بود (شهرستانی، ۱۹۶۸: ۱۹۲).

بستر زمانی این حوادث مابین سال‌های ۲۸۶ تا ۲۹۷ هجری را در می‌گیرد؛ یعنی دورانی ۱۱ ساله از زمان اعلام امامت توسط عبیدالله المهدی تا تشکیل دولت فاطمیان در شمال آفریقا. رساله سیره الحاجب به‌عنوان تنها سند اسماعیلی نزدیک به واقعه، به‌طور خاص، این دوره از تاریخ فاطمیان را از منظر یک شاهد عینی رویدادها و از نگاهی درون‌تشکیلاتی روایت می‌کند. در این مقاله، از طریق تحلیل محتوای این رساله مهم فاطمی؛ مواردی چون موضوع، روش و منابع تاریخ‌نگاری در رساله سیره الحاجب در چهارچوب گفت‌وگو با مسأله بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری اسماعیلی مورد بررسی و تحلیل علمی قرار می‌گیرد. بر این اساس، ضمن معرفی برخی شاخصه‌های گفت‌وگویی حاکم بر تاریخ‌نگاری اسماعیلی، ابطال‌پذیری این شاخصه‌ها در متن رساله سیره الحاجب به‌آزمون گذاشته می‌شود.

درباره رساله سیره الحاجب، سبک و محتوای تاریخ‌نگارانه آن تاکنون تحقیق علمی مستقلی صورت نگرفته است. تنها ولادیمیر ایوانف در کتاب سنت اسماعیلی مرتبط به ظهور فاطمیان ضمن ترجمه متن این رساله به زبان انگلیسی، آن را اثری فاقد ارزش مستقل تاریخ‌نگارانه و بر شیوه اسطوره می‌داند. ماریوس کانارد نیز متن این رساله را با عنوان زندگی‌نامه پیشکار عبدالله المهدی فاطمی به زبان فرانسه ترجمه کرده است. از عنوان ترجمه اخیر چنان پیداست که نویسنده از محتوای این اثر تاریخی که زندگی‌نامه دینی - سیاسی عبدالله المهدی است اطلاعی ندارد. علی بابایی سیاب نیز در مقاله‌ای با عنوان «رابطه تاریخ‌نگاری با قدرت در گفتمان اسماعیلی: مطالعه موردی دولت فاطمیان» در مجله تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، به رویکرد کلامی و مشروعیت‌بخش به عنوان یکی از شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان پرداخته است. در این مقاله به آثار تاریخ‌نگارانه فاطمیان از جمله رساله سیره الحاجب به عنوان نمونه‌هایی از تاریخ‌نگاری کلامی اشاره شده است. وجه تفاوت این مقاله با آثار پیشین، بررسی موردی و مستقل متن سیره الحاجب به عنوان یک اثر تاریخ‌نگارانه از منظر نسبت آن با گفتمان تاریخ‌نگاری اسماعیلی است که تا کنون موضوع هیچ پژوهش مستقلی نبوده است.

چهارچوب نظری تحقیق

اسماعیلیان نخستین به دلیل برخوردار بودن از فلسفه نظری خاص خود؛ تاریخ را از منظری نو می‌دیدند که با درک دیگر فلاسفه و مورخان مسلمان تفاوت‌هایی بنیادین داشت. سه مؤلفه مهم در این نگاه فلسفی به تاریخ عبارت بود از:

۱. پیوستگی میان تاریخ و فراتاریخ: در تاریخ‌نگری اسلامی، تاریخ بشر از هبوط آدم بر روی زمین شروع شده و به جامعه آرمانی آخرالزمانی بر روی همین زمین خاتمه می‌یابد. در نگاه اساطیری و تاریخ‌نگری مدرن نیز تاریخ دارای جنبه‌ای زمینی و این جهانی است. اما در تاریخ‌نگری اسماعیلی، آغاز و پایان تاریخ بشر دارای ماهیتی فرازمینی است که از هبوط عقل ثالث به مرتبه عقل دهم، شروع شده و با طی هفت دور تکاملی در دنیای ماده، در پایان آرمانی خود، با بازگشت عقل ثالث به مرتبه وجودی خود خاتمه می‌یابد؛ بنابراین در تاریخ‌نگاری اسماعیلی، اصالت با حرکت و تکامل روح است نه ماده؛

۲. سیر دوری - خطی تاریخ: در تاریخ‌نگری اسلامی که مبتنی بر نظریه آفرینش انسان است؛ تاریخ دارای حرکتی خطی است که در آن سیر حوادث از نخستین سال‌های هبوط آدم بر روی زمین، شروع شده و با تحقق جامعه آخرالزمانی در پایان تاریخ ادامه می‌یابد. این حرکت خطی متضمن سیری نه الزاماً تکاملی، بلکه همراه با نوعی غایت‌گرایی خوش‌بینانه است که در آن بر

خلاف نظریه‌های خطی - عرفی راجع به تاریخ که پایان تاریخ را براساس منطقی درون تاریخی پیش‌بینی می‌کند، حاکی از دخالت عاملی فراتاریخی در تاریخ است که به گونه‌ای معجزه‌آسا، تاریخ بشر را به پایان آرمانی خود می‌رساند. این در حالی است که در تاریخ‌نگاری اسماعیلی، حرکت تاریخ مبتنی بر تکرار تکاملی هفت دور اصلی و (بنا به برخی اصلاحات فکری در دوره فاطمی) بی‌شمار ادوار فرعی در دور پایانی تاریخ تا ظهور قائم است. براساس این دیدگاه، تاریخ بشر با پایان هر دور و آغاز دور دیگر، قدمی به پایان آرمانی خود نزدیک‌تر می‌شود. نگاه دوری اسماعیلیان به تاریخ با نگاه بشر دوران باستان که به تأسی از چرخه متناوب شب و روز، تاریخ را تکرار بی‌شمار ادوار مختلف می‌دانست، تفاوت دارد. در نگاه اساطیری که در میان ملل مختلف یونانی، هندو، بابلی، مصری و ادیانی چون بودایی و امثال آن رواج داشت، تاریخ سیری قهقراپی را طی می‌کرد که متأثر از الگوی چرخش طبیعی فصول سال، امید بازگشت به دوران باشکوه نخستین به تناوب وجود داشت، اما در نگاه اسماعیلی، هفت دور تاریخ به گونه‌ای زنجیروار به هم پیوند خورده و تکامل تدریجی ادوار مختلف، تنها در پایان آن می‌توانست به شکوه اولیه خود باز گردد. علاوه بر این، حرکت جبری تاریخ در تفکر اسلامی و اسماعیلی، مبتنی بر قضا و قدر و مشیت الهی است، اما در نگاه اسطوره‌ای، این حرکت مبتنی بر جبری کیهانی است. بنابراین، متفکران اسماعیلی با تلفیق نگاه خطی و دوری به تاریخ، ضمن حفظ اندیشه دوری بودن تاریخ، با لحاظ مسئله آفرینش انسان که در نظریه‌های باستانی نادیده گرفته شده بود، تفسیری نو از سیر حرکت تاریخی ارائه دادند که قائل به وجود مبدأ و منتهایی برای آن و نقش مشیت الهی در حوادث تاریخی است؛

۳. نگاه مشیت‌انگاران و نقش محوری امام در تاریخ: در تاریخ‌نگاری اسماعیلی مانند دیگر مکاتب تاریخ‌نگاری سنتی، خدا در رأس تاریخ بشر قرار دارد. در این نظام فکر مشیت‌انگاران، تاریخ دارای حرکتی ضروری، از پیش تعیین شده و در نتیجه دارای مبدأ و منتهایی مشخص است. بازیگران و مجریان اصلی اراده خدا در این حرکت جبری، نخبگان هستند. لذا هدف از نگارش تاریخ، شرح زندگی و حوادث پیرامون زندگی این افراد است. در واقع، در نظام سیاسی اسلام، خلیفه/سلطان ادعا می‌نمود که حق حاکمیت از جانب خدا به او اعطا شده و نظام اعمال قدرت از بالا به پایین بود. موتور محرک تاریخ تنها اراده خدا بود که از طریق نخبگانی چون پیامبر، امام، پادشاهان، فرماندهان، والیان و امثال آنان اعمال می‌شد. در چنین نظام فکری، وظیفه مورخ تبیین اثرات اقدامات انسان‌ها نبود، بلکه هدف او این بود که با سرمشق قرار دادن حقایق شناخته‌شده و توصیف آن، درس‌هایی را به دیگران بیاموزند؛ بنابراین، موضوع بررسی در تاریخ‌نگاری اسلامی، سازمان سیاسی است نه جامعه. این سازمان

سیاسی را نیز خداوند با مشیت خود به حرکت در آورده و مسیر آن را از ابتدا تا انتها تعیین می‌نمود.

به‌دلیل همین دیدگاهِ خدامحور به تاریخ بود که در تاریخ‌نگاری اسلامی شاهد ارائه مطالب بسیار ناچیزی در مورد غیرنخبگان هستیم. اما منظور از گروه نخبگان در تاریخ‌نگاری اسماعیلی، فقط نخبگان دینی، یعنی امامان، هستند، نه همه گروه‌های نخبگان اعم از شاهان و فرماندهان نظامی و... بر همین اساس در تاریخ‌نگری اسماعیلیان نخستین، تنها زندگی امامان اسماعیلی و افراد و حوادث مرتبط با آنان است که قابلیت ثبت در تاریخ را دارد. این مسئله در لابه‌لای متون تاریخی یگر شاخه‌های اسماعیلی نیز انعکاس یافته است (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۸۵-۸۴ و ۷۲). این در حالی است که در تاریخ‌نگاری اسلامی، نخبگان اعم از پیامبران، حاکمان، فرمانروایان و خاندان‌های بزرگی هستند که حوادث تاریخی را رقم می‌زنند. بر همین اساس می‌توان تنوع و تکثر در اشکال تاریخ‌نگاری اسلامی مانند تک‌نگاری‌ها، تواریخ عمومی، طبقات‌نگاری‌ها، نسب‌نگاری‌ها و مانند آن را در مقابل اشکال محدود تاریخ‌نگاری اسماعیلی که در تعداد معدودی سرگذشت‌نامه، تک‌نگاری‌های دودمانی و امثال آن خلاصه می‌شود، توضیح داد (بابایی سیاب، ۱۳۹۸: ۶۹-۵۹).

مؤلفه‌های حاکم بر تاریخ‌نگاری محمدبن محمد الیمانی

براساس چهارچوب نظری/فلسفی حاکم بر تاریخ‌نگری اسماعیلیان، نگارش آثار تاریخی در میان آنان نیز از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است. این ویژگی‌ها در مواردی مثل موضوع نگارش تاریخ، روش و رویکرد در نگارش تاریخ و منابع روایت تاریخی انعکاس یافته است.

الف. موضوع نگارش تاریخ

پیرو مهم‌ترین مؤلفه‌های فلسفه نظری تاریخ در میان اسماعیلیان که سیر حرکت تاریخی را دارای الگویی دوری-خطی و تکاملی به‌سوی غایتی مشخص می‌دانست؛ موضوع تاریخ‌نگاری فاطمیان عبارت بود از انعکاس رویدادهای مرتبط با نخبگان دینی؛ زیرا از نظر مورخان اسماعیلی تنها رویدادهای زندگی افراد مقدس (ناطقان و امامان) و نظام دینی-سیاسی مرتبط با آنان است که معنادار تلقی شده و قابلیت ثبت در تاریخ را دارد. براساس این دیدگاه، حوادث و رخداد‌های پیرامون حکام جائز و خلفای غاصب از منظر مورخ فاطمی هیچ‌گونه اهمیتی برای ثبت در تاریخ ندارد؛ زیرا در تاریخ‌نگری اسماعیلی، تاریخ عبارت است از سیری

روحانی حرکت انسان از عالی‌ترین مراتب خلقت تا مرحله حیات جسمانی در عالم سفلی و تکامل و بازگشت دوباره به منشأ اصلی خود در عالم علوی. در واقع، در این سیر حرکت تاریخی، امام به‌عنوان راهنمایی الهی در سیر حرکت ارواح انسانی به‌سوی اصل و منشأ وجودی خود ایفای وظیفه می‌کند. بر همین اساس، تنها وقایع مرتبط با اعمال، رفتار و کردار اوست که قابلیت ثبت در تاریخ را دارد؛ لذا وظیفه مورخ عبارت است از ثبت وقایع تاریخی مرتبط با امام، معرفی امام بر حق و مسیر اصلی هدایت بشری به آیندگان که به‌عنوان وظیفه‌ای دینی تلقی می‌شود (نک. قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۱۱۸-۱۱۷).

در رساله سیره الحاجب نیز مانند دیگر آثار تاریخی دوره فاطمیان، موضوع نگارش تاریخ، امام فاطمی است. محمد بن محمد الیمانی در این رساله رویدادهای تاریخی مرتبط با عبیدالله المهدی بین سال‌های ۲۸۶ تا ۲۹۷ هجری قمری را بنا به دستور پنجمین خلیفه فاطمی العزیز بالله (حک. ۳۸۶-۳۶۵ق) به نگارش در می‌آورد؛ دورانی یازده ساله از تاریخ فاطمیان که از اعلام امامت توسط عبیدالله المهدی تا تشکیل دولت فاطمی در افریقه به طول انجامید. نام عبیدالله المهدی به‌عنوان محور اصلی روایات تاریخی در سیره الحاجب بیش از ۲۵۰ بار تکرار شده است.

پس از او، بیشترین فراوانی مربوط به فرزند و جانشین او ابوالقاسم القائم با بیش از ۱۰۰ بار تکرار است. این میزان تکرار نام دو خلیفه فاطمی در این رساله کوتاه تاریخی که تعداد صفحات آن از ۴۵ صفحه تجاوز نمی‌کند، معادل ۷ تا ۸ بار تکرار در هر صفحه است. این مسئله به روشنی حاکی از محوریت امام در محتوای روایات تاریخی در سیره الحاجب است؛ چنان‌که در دیگر آثار تاریخ‌نگارانه فاطمیان نیز کمابیش چنین نسبتی برقرار است. پس از امامان فاطمی؛ نام ابوعبدالله شیعی سردار تاج‌بخش فاطمیان با ۵۷ بار تکرار؛ نام فیروز داعی‌الدعات فاطمیان در دوره عبیدالله المهدی با ۲۲ بار تکرار، نام ابن حوشب داعی اصلی منطقه یمن با ۱۴ تکرار و نام نزدیک‌ترین خدمتکاران و همراهان عبیدالله المهدی در طول سفر وی، کسانی مثل طیب بن برکه الحاضن، مطلبی و ابویعقوب القهرمان هر کدام با ۱۹ و ۱۵ و ۱۴ بار تکرار، بیشترین فراوانی تکرار را در متن سیره الحاجب دارند.

این افراد به‌عنوان نزدیک‌ترین و مؤثرترین حلقه ارتباطی میان عبیدالله المهدی با پیروانش بیشترین نقش را در پیروزی و به تخت نشستن او دارند. تمام روایات مربوط به این اشخاص در سیره الحاجب حول محور امام فاطمی نقل شده است (نک. جدول شماره ۱).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۴۷

فراوانی تکرار	نام شخصیت
۲۵۰	عبدالله المهدی
۱۰۰	ابوالقاسم نزار (القائم بامر الله)
۵۷	ابوعبدالله شیعی
۲۲	فیروز داعی الدعات/ باب الابواب
۱۴	حسن بن فرح بن حوشب (منصور الیمن)
۱۹	طیب بن برکه الحاضن
۱۵	مطلب مطلبی
۱۴	ابوعقوب القهرمان

کمترین فراوانی تکرار اسامی در سیره‌الْحاجب نیز مربوط به دشمنان فاطمیان است. «یسع بن مدرار» حاکم دولت بنی مدرار در شهر سجلماسه که عامل دستگیری و زندانی شدن عبدالله المهدی است با ۱۲ بار تکرار، رهبر قرمطیان شام - ابومهزول - مسبب قتل عام نزدیکان عبدالله المهدی در سلمیه با ۷ بار تکرار، «زیاده الله سوم» آخرین حاکم دولت اغلبی - مغلوب در برابر فاطمیان - با ۷ بار تکرار، «ابوالاغر خلیفه بن مبارک سلمی» کارگزار دولت عباسی در سلمیه در زمان عبدالله المهدی با ۴ بار تکرار، «ماوطی» شورشی سرزمین کتانه با یک بار تکرار و موارد دیگری از این دست، نشان می‌دهد که توجه به اسامی و رویدادهای مربوط به افراد غیراسماعیلی در منابع تاریخ‌نگارانه این فرقه تنها بر حسب ضرورت و از حیث ارتباط آن افراد با نظام دعوت فاطمی صورت گرفته است (نک. جدول شماره ۲).

فراوانی تکرار	نام شخصیت
۱۲	یسع بن مدرار
۷	ابومهزول (قرمطی)
۴	ابوالاغر خلیفه بن مبارک سلمی
۱	ماوطی

روش / رویکرد تاریخ‌نگاری

هدف مورخ اسماعیلی از نگارش پیرامون حیات دینی - سیاسی امامان این فرقه، دفاع کلامی از اصل امامت به‌عنوان یک فریضه دینی است؛ بنابراین در آثار تاریخ‌نگاران این فرقه شاهد نگارش نوعی تاریخ مقدس با روش / رویکرد کلامی هستیم که نویسنده تلاش می‌کند در قالب پرداختن به تاریخ امامان فاطمی، عامل القا مشروعیت نیز باشد؛ زیرا وجود امام به‌عنوان رکن ضروری مذهب اسماعیلی با ویژگی‌هایی چون علم خاص، عصمت، وساطت فیض الهی، تفسیر باطنی شریعت و قطب عالم بودن، امری ضروری است (قاضی نعمان، ۱۹۹۶: ۸۵-۸۴ و ۷۲).

هدف اصلی و بنیادین متکلم - مورخان فاطمی در قالب آثار کلامی، کلامی - تاریخی و تاریخی - کلامی، سعی در اثبات این اصل اساسی و جنبه الهی آن است. این مسئله سبب شده است که تاریخ‌نگاری فاطمیان برخلاف سنت تاریخ‌نگاری اسلامی تنوع چندانی در اشکال و شیوه ارائه مواد تاریخی نداشته باشد. در نتیجه تاریخ‌نگاری این فرقه محدود به پاره‌ای تواریخ دودمانی، سرگذشت‌نامه و سیره‌نگاری است که در قالب آن‌ها به ارائه مواد تاریخی پیرامون امام فاطمی پرداخته شده است. براین اساس، معاصرنگاری از شاخصه‌های ثانویه در تاریخ‌نگاری فاطمیان است. بدین معنا که تأکید مورخ فاطمی بر نقل رویدادهای مرتبط با تاریخ معاصر است؛ یعنی نگارش تاریخ مرتبط با امام مستقر اسماعیلی که از آن با عنوان «معاصرنگاری» یاد می‌کنیم. در این راستا، اگر توجهی به ادوار امامان پیشین صورت می‌گیرد، تنها به منظور مشروعیت‌بخشی به امام مستقر از طریق بازسازی خط ربط او به امامان و پیامبران پیشین و اثبات مشروعیت آن‌هاست.

تداعی شرایط ظهور موعود در عصر عبیدالله المهدی و تطبیق نشانه‌های ظهور با رویدادهای تاریخی مرتبط با این امام فاطمی از نمونه روایات تاریخی - کلامی است که در سیره الحاجب و دیگر آثار تاریخ‌نگارانه عصر فاطمی به فراوانی دیده می‌شود (نک. بابایی سیاب، ۱۴۰۱: ۴۰-۳۶). در روایات مورخان فاطمی این دوره، شرایط نشر دعوت فاطمیان در میان بربرهای کتامة که شروع آن در مراسم حج رقم خورد؛ شرایط نشر دعوت پیامبر اسلام (ص) در شهر یثرب را در ذهن تداعی می‌کند. ابو عبدالله شیعی به‌عنوان یکی از داعیان عبیدالله المهدی که وظیفه دعوت در سرزمین مغرب را بر عهده گرفته بود پس از ملاقات با برخی از مردان قبایل بربر کتامة در مراسم حج، بنا به درخواست آنان به سرزمین کتامة رفته و زمینه‌های دعوت فاطمی را در آنجا فراهم می‌کند (قاضی نعمان، ۱۴۲۶: ۲۸ به بعد؛ قاضی نعمان، بی تا: ۳ / ۲۳۷ به بعد).

این تصویرسازی در رساله سیره الحاجب نیز انعکاس یافته است و نویسنده در این سیره بارها به قبایل کتامة به‌عنوان رکن اصلی و پیروزی‌بخش دعوت فاطمی اشاره می‌کند. برخی نشانه‌های ظهور مهدی و نقل آن‌ها در سیره الحاجب از دیگر موارد کلامی در این رساله تاریخی است که با انگیزه مشروعیت‌بخشی به جایگاه عبدالله المهدی به‌عنوان مهدی موعود روایت می‌شود. در یک مورد، در مسیر حرکت عبدالله المهدی از شهر سلمیه به سمت مغرب، در زمان اقامت او در شهر رمله چنین نقل شده است:

«در آن شب ستاره‌بارانی رخ داد، مهدی و قائم به‌همراه عامل [شهر] و گروهی دیگر به پشت‌بام خانه عامل [شهر] رفتند و به تماشای آن پرداختند و شهر از فریادهای مردم و نیایش آن‌ها به درگاه خداوند عزوجل دگرگون شده بود. گمان می‌کنم که ستاره‌باران آن شب در سال ۲۸۹ هجری و در ماه رجب بود. مهدی را دیدم که دستان عامل [شهر] را در دستان خود فشرده بود و [به او] گفت: که این ستاره‌ها یکی از دلائل و نشانه‌های من است» (الیمانی، ۲۰۱۹: ۲۳).

همچنین نقل برخی نشانه‌های ظهور مهدی در اندیشه مردم محلی و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌های امام فاطمی از زبان شاهدان عینی رویدادها، از دیگر موارد کلامی در سیره الحاجب است که در یک مورد چنین روایت شده است:

در سجلماسه در خانه‌ای مشهور به خانه ابی‌حیسه ساکن شدیم. در کنار خانه، باغی بود که به آن متصل بود و در خانه دری وجود داشت که به آن [باغ] باز می‌شد. مهدی در روز گرمی مانند امروز دچار گرمای شدیدی شد، از ما خواست تا درب باغ را باز کرده و در جای خنکی از آن فرشی پهن کنیم که او عَم از شدت گرمای آن روز، در آنجا بنشیند، آن‌گاه درب باغ را باز نموده و در آن جست‌وجو کردیم تا این که درختی بزرگ که سایه زیادی داشت را یافتیم، برای او در زیر آن درخت فرش گستراندیم و امام به همراه قائم بیرون آمده و زیر درخت نشستند. قائم عَم به همراه برخی کودکان در باغ می‌چرخید تا این که به چشمه‌ای رسید که آب کمی در آن راکد مانده بود. قائم در [کنار] آن چشمه نشست، دست و صورتش را در آن شست و پاهایش را در آن گذاشت، زمانی زیادی از قرارداد پاهایش در آب نگذشته بود که آب زیادی در چشمه جاری شد، زمانی که باغبان آن [صحنه] را دید با صدای بلند فریاد زد که به خدا قسم مهدی پیش روی من است. آن‌گاه مهدی گفت: ببینید این چه کسی است [فریاد می‌زند] و او را نزد من بیاورید. ما به سرعت به سوی آن مرد رفتیم و بعد از این که او را از فریاد زدن منع کردیم، با او

نزد مهدی آمدیم، [مهدی] به او گفت: تو را چه شده است ای مرد که کمر به ریختن خون ما بسته‌ای و از کجا می‌دانی که من مهدی هستم، آیا مسئول جاسوسی از ما هستی؟ [باغبان] به او گفت: ای مولای من، چشمه‌ای در این باغ است که مدت زیادی است آب آن به زمین فرونشسته است و از پدران و اجدادم روایت شده است که آب آن خارج نمی‌شود مگر این که مهدی وارد این باغ شود و خودش یا پسرش پاهایش را در آن قرار دهد و من امروز چیزی را که از پدرانم روایت می‌کردم به چشم دیدم (الیمانی، ۲۰۱۹: ۳۹-۳۸).

پس از پیروزی قیام و آغاز دولت فاطمی در شهر رقاده، در لابه‌لای روایات سیره *الحاجب* شاهد تداعی سیره و رفتار پیامبر اسلام (ص) در برخورد عبیدالله المهدی با مخالفان خود هستیم. اعلام عفو عمومی پیامبر گرامی اسلام نسبت به مشرکان در زمان فتح مکه، بخشش و برخورد بزرگوارانه با رهبر مشرکان مکه- ابو سفیان- و حتی واگذاری برخی مناصب به او (واقعی، ۱۴۰۹: ۲/ ۸۱۸؛ بلاذری، ۱۴۲۹: ۴/ ۷-۶) از جمله مواردی است که نویسنده درصدد است تا آن را در سیره سیاسی عبیدالله المهدی به نمایش بگذارد:

«زمانی که مهدی به افریقیه رسید، برای مردم آنجا و دیگر شهرها اعلام عفو عمومی کرد، و نیز به عبدالله بن قدیم و ایوب که در زمان ورود ابو عبدالله شیعی، جانشین زیادالله [اغلبی] بود امان داد. آنان زمانی که خیر امان را شنیدند خود را نشان دادند. این ایوب از بزرگ‌ترین والیان در دولت اغلبی بود. مهدی، عبدالله بن قدیم را به خود نزدیک کرد و او را مسئول نظارت بر دیوان‌های خراج و جمع‌آوری مالیات نمود» (الیمانی، ۲۰۱۹: ۶۳).

در ماجرای تصرف شهر سجلماسه و شکست و فرار یسع بن مدرار از شهر نیز پس از این که سربازان فاطمی این شخص را دستگیر نموده و نزد عبیدالله المهدی آوردند، از قتل او صرف‌نظر شد. این در حالی بود که عبدالله المهدی توسط این شخص زندانی شده بود و نزدیک‌ترین خدمتکارانش در زندان او تحت شکنجه قرار گرفتند. در آثار غیرفاطمی نیز گزارش‌های تاریخی و اشعاری از زبان مؤلفان و شاعران فاطمی درباره ورود عبدالله المهدی به رقاده ثبت شده است که تداعی‌کننده ظهور انبیا پیشین است. به‌عنوان مثال، یاقوت حموی چنین آورده است: «پیروزی عبدالله ملقب به مهدی بر شهر رقاده و بیرون راندن بنی‌اغلب از آن جایگاه در ماه ربیع یکم به سال ۲۹۷ هجری رخ داد و شاعران در ستایش او شعرها سروده‌اند تا آنجا که یکی از ملعونان چنین سروده است:

حلّ برقاده المسیح
حلّ بها آدم و نوح
و کلّ شیء سواه ریح
حلّ بها الله ذوالمعالی

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۵۱

یعنی: مسیح در رقاده فرود آمد، آدم و نوح در رقاده می‌زیستند. خدای بزرگ در رقاده فرود آمده است که هر چه جز او باد باشد (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۲ / ۵۳۶).

منابع روایی

باتوجه به موضوع و روش تاریخ‌نگاری فاطمیان که معطوف به امام فاطمی و با رویکرد کلامی است، این تاریخ‌نگاری از نظر شیوه ارائه داده‌های تاریخی مبتنی بر روشی ترکیبی است که در آن معمولاً به ارائه سلسله اسناد پرداخته نمی‌شود. یکی از دلایل اتخاذ چنین روشی در تاریخ‌نگاری فاطمیان، رویکرد کلامی آن است که نقل روایات به‌ویژه راجع به تاریخ امامان گذشته به‌عنوان پایه‌های مشروعیت امام مستقر فاطمی، گزینشی است. در نقل روایات معاصر و نزدیک به زمان نویسنده، اتکا نویسنده عمدتاً بر شاهدان عینی رویدادها، اسناد و مشاهدات شخصی است. بر شمردن این ویژگی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های ثانوی در تاریخ‌نگاری فاطمیان که متأثر از رویکرد کلامی آن است، به این دلیل است که در جریان مسلط تاریخ‌نگاری اسلامی علی‌رغم مشاهده برخی نگرش‌های کلامی در ثبت رویدادها، منبع روایات طیف وسیع‌تری از راویان و آثار و مکتوبات گذشتگان را شامل می‌شود (بابایی سیاب، ۱۳۹۷: ۴۸-۳۶).

از طرف دیگر، به دلیل ویژگی «معاصرنگاری» در تاریخ‌نگاری فاطمیان، اتکا مورخان این فرقه عمدتاً بر روایات نزدیک به زمان رویداد، شاهدان عینی و اسناد و مدارک است. در حالی که در جریان مسلط تاریخ‌نگاری اسلامی، طیف وسیع‌تری از راویان و آثار مکتوب گذشتگان مورد استفاده مورخ قرار می‌گیرد.

بر همین اساس، روش روایت تاریخ در رساله *سیره الحاجب* نیز روش روایی و عمدتاً مبتنی بر گزارش شاهدان عینی است. گزارش‌های تاریخی موجود در متن این سیره عمدتاً مبتنی بر روایات شخصی به نام جعفر بن علی، حاجب و پیشکار مخصوص عبدالله المهدی و از افراد مورد اعتماد اوست. این شخص به‌عنوان نزدیک‌ترین فرد به نخستین خلیفه فاطمی شاهد عینی بسیاری از رویدادها بوده، زیرا در تمام طول سفر عبدالله المهدی از سلمیه تا سجلماسه و سپس تشکیل حکومت در افریقیه همراه او بوده است.

در متن این رساله درباره ارتباط نزدیک جعفر بن علی با عبدالله المهدی چنین آمده است: «از غلام امامانمان جعفر بن علی الحاجب شنیدم که می‌گفت: مهدی بالله چند ماه از من بزرگ‌تر بود و من با او بزرگ شده بودم و امام مرا برای خدمت به خود نشان کرد، پس در حالی که به او خدمت می‌کردم، با او تربیت یافتم و مرا به بهترین شیوه ادب آموخت و امام هر آنچه را که

برای اصلاح و تربیت من لازم می‌دید، ترک نمی‌کرد تا این که مرا بدان گونه که دوست داشت پرورش داد، به طوری که من نیازی نداشتم که امام مرا به چیزی امر نماید، بلکه چون به من می‌نگریست، می‌دانستم که چه در دل دارد و بدان گونه که دوست می‌داشت، آن را برایش فراهم می‌کردم» (الیمانی، ۲۰۱۹: ۱۴-۱۳).

در سیره الحاجب مجموعاً ۱۵۰ بار از جعفر الحاجب روایت نقل شده که با فعل «قال» یا «قال جعفر» شروع شده است. بنا به اذعان محمد بن محمد الیمانی، او این منقولات را با یک واسطه و اندکی پس از مرگ جعفر بن علی شنیده و مکتوب کرده و خود او به طور مستقیم از جعفر نشنیده است (همان: ۶۲). نویسنده اشاره‌ای به شخص واسطه میان خود و جعفر الحاجب ندارد، اما از قرائن موجود در متن چنین استنباط می‌شود که این شخص از صاحب‌منصبان و افراد حکومتی نزدیک به جعفر بن علی و مورد وثوق نویسنده و دولت فاطمی بوده است.

به‌عنوان مثال، نویسنده یکی از روایات نقل شده توسط جعفر الحاجب را از زبان شخصی موسوم به علوش الرائض و او هم به نقل از طاهر الوزان مسئول بیت‌المال دولت فاطمیان در زمان خلافت العزیز بالله نقل می‌کند: «طاهر الوزان صاحب بیت‌المال از قول علوش الرائض برای من روایت کرد: هنگامی که ما در اصطبل شهر منصوریه بودیم، المعز لدین‌الله درحالی که از شدت گرما طاقتش کم شده بود، به‌سوی ما آمد و در مکان خنکی از اصطبل که باد زیادی می‌آمد مشرف به اسب‌ها نشست، چون که در آنجا مستقر شد [و اندکی استراحت کرد] جعفر الحاجب در اصطبل بر او وارد شد» و در ادامه روایتی را از قول جعفر الحاجب که برای امام فاطمی نقل کرده بود، بازگو می‌کند (همان: ۳۸).

بنابراین غالب منقولات این رساله از زبان شاهد عینی رویدادهاست؛ به جز چند مورد معدود که خود جعفر بن علی به دلیل عدم امکان حضور در صحنه، شاهد رویدادها نبوده و از اشخاصی موثق که در صحنه حاضر بوده‌اند روایت کرده است. به‌عنوان مثال، وی در دوره‌ای که او در زندان یسع بن مدرار در سجلماسه زندانی بوده است، ماجرای لشکرکشی ابو عبدالله شیعی به سجلماسه برای نجات عبیدالله المهدی و به تخت‌نشاندن او را از زبان نوجوانی نقل می‌کند که در سپاه ابو عبدالله حاضر بوده و از نزدیک شاهد حوادث بوده است. این شخص ابوالقاسم فرزند مطلبی، کسی بود که به دستور عبیدالله المهدی از قیروان تا سجلماسه همراه ابو عبدالله شیعی آمده بود تا ابو عبدالله در زمان دیدار با مهدی، او را بشناسد، زیرا ابو عبدالله شیعی تا آن زمان عبیدالله المهدی را از نزدیک ندیده بود و نمی‌شناخت؛ بنابراین، جعفر بن علی برخی رویدادها را از قول این شخص روایت می‌کند. او در یک مورد چنین می‌نویسد: «به این خاطر که من در آن زمان در زندان زیرزمینی یسع بن مدرار بودم و آن ماجرا را نمی‌دیدم،

ابوالقاسم پسر مطلبی برای من روایت کرد و گفت» (همان: ۵۱).

محمدبن محمد الیمانی در یک مورد نیز هنگام روایت آغاز دعوت فاطمی در میان بربرهای کتامة، ضمن ارائه گزارشی کوتاه، به دلیل طولانی بودن ماجراها، خواننده را به کتاب *افتتاح الدعوه* نوشته قاضی نعمان که هم‌عصر اوست ارجاع می‌دهد و چنین می‌نویسد: «و در طول مسیرشان به سوی مغرب به همراه او ماجراهایی برایشان پیش آمده بود که شرح آن طولانی است و قاضی نعمان بن محمد در کتابی که در مورد آغاز دولت طالبی تألیف نموده به آن‌ها اشاره کرده است» (همان: ۴۹).

نتیجه‌گیری

بررسی شیوه تاریخ‌نگاری محمدبن محمد الیمانی در تنها اثر باقیمانده از این مؤلف اسماعیلی مذهب عصر فاطمیان - رساله *سیره الحاجب* - نشان می‌دهد که متن این رساله در موضوع، روش / رویکرد و منابع روایات تاریخی ذیل گفتمان مسلط بر تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری اسماعیلیان قابل دسته‌بندی است. موضوع تاریخ‌نگاری در این رساله مانند دیگر آثار تاریخ‌نگارانه عصر فاطمی، تمرکز بر تاریخ نخبگان دینی یا همان امامان اسماعیلی است؛ بدین معنی که در نظر مورخ فاطمی، تنها زندگی دینی و سیاسی امامان این فرقه به‌عنوان راهنمایان الهی در مسیر تکامل روحانی بشر قابلیت ثبت در تاریخ را داشت که از آن با عنوان «مقدس‌نگاری» یا «تاریخ‌نگاری مقدس» یاد کرده‌ایم. این شاخصه گفتمانی در تاریخ‌نگاری اسماعیلیان که در متن *سیره الحاجب* نیز انعکاس یافته، نشئت گرفته از درکی نو از تاریخ است که اساس سیر حرکت تاریخ را مبتنی بر تکامل بُعد روحانی انسان دانسته و حیات مادی را به‌عنوان مرحله‌ای گذرا از این سیر حرکت روحانی می‌داند. برخلاف تاریخ‌نگری سنتی که تاریخ را دارای حرکتی مادی و این‌جهانی می‌دانست؛ لذا در تاریخ‌نگاری اسماعیلی، تنها حوادث مرتبط با نخبگان دینی - یعنی پیامبران و امامان - به‌عنوان کنشگران و راهنمایان اصلی این سیر تکاملی، قابلیت ثبت در تاریخ را داشت. این در حالی است که در جریان مسلط تاریخ‌نگاری سنتی در دوران پیشامدرن، نخبگان سیاسی در کنار نخبگان دینی به‌عنوان عوامل محرک تاریخ قلمداد می‌شد. بر همین اساس، تاریخ‌نگاری محمد الیمانی، نویسنده *سیره الحاجب*، مانند دیگر آثار تاریخ‌نگارانه دوره فاطمیان دارای رویکردی کلامی با هدف مشروعیت‌بخشی به امام مستقر فاطمی و مشروعیت‌زدایی از مخالفان اوست. مقایسه شرایط ظهور مهدی با دوران ظهور پیامبر اسلام و ذکر نشانه‌هایی از ظهور موعود و انطباق آن بر حرکت عبدالله المهدی، امام فاطمی، در قالب بیان روایات تاریخی، همگی دال بر اتخاذ چنین

رویکردی در نگارش این اثر است. معاصرنگاری و تکیه بر اسناد و شاهدان عینی در نقل روایات تاریخی از دیگر شاخصه‌های گفت‌مانی در تاریخ‌نگاری اسماعیلی است که در رساله *سیرة الحاجب* نیز انعکاس یافته است؛ بنابراین، رساله *سیرة الحاجب* مانند دیگر آثار تاریخ‌نگارانه فاطمی دربردارنده مهم‌ترین شاخصه‌های گفت‌مانی حاکم بر تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری اسماعیلی است.

منابع

- ابن عنبه، احمد بن علی (۱۹۶۱م/۱۳۶۲ش/۱۳۸۰ق) *عمده الطالب فی أنساب آل أبي طالب*، به کوشش محمد حسن آل طالقانی، قم: الشریف الرضی.
- ابن مالک حمادی، محمد (۲۰۰۶م) *کشف الاسرار الباطنیة و اخبار القرامطه*، قاهره: المكتبة الازهریة للتراث.
- ایوانف، ولادیمیر (۱۹۳۹م) *مذاکرات فی حرکه المهدي الفاطمی (استتار الامام و سیرة الحاجب)*، القاهره: مطبعه المعهد العلمی الفرنسی للأثار الشرقیة.
- بابایی سیاب، علی (۱۴۰۱ الف) «رابطه تاریخ‌نگاری با قدرت در گفت‌مان اسماعیلی: مطالعه موردی دولت فاطمیان»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۳۲ (۲۹)، صص ۵۳-۳۳. DOI: 10.22051/hph.2023.42231.1640
- _____ (۱۴۰۱ ب) *اسنادی تاریخی درباره ظهور فاطمیان (استتار الامام و سیرة الحاجب)*، متون عربی منتشر شده توسط ولادیمیر ایوانف، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- بابایی سیاب، علی و دیگران (۱۳۹۷) «شاخصه‌های تاریخ‌نگاری فاطمیان در گفت‌مان تاریخ‌نگاری اسلامی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۲۸ (۲۱)، صص ۵۳-۳۳. DOI: 10.22051/hph.2018.16984.1163
- _____ (۱۳۹۸) «تاریخ‌نگری اسماعیلیان: مؤلفه‌های فلسفه نظری تاریخ»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء (س)، ۲۹ (۲۳)، صص ۷۵-۵۵. DOI: 10.22051/hph.2019.22849.1283
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۲۹ق) *انساب الاشراف*، بیروت: المعهد الالماني للابحاث الشرقیة.
- جوینی، علاء‌الدین عظاملک بن محمد (۱۹۳۷-۱۹۱۲م) *تاریخ جهان‌گشا*، به اهتمام محمد بن عبدالوهاب قزوینی، لیدن: بریل.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۶) *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ ۲، تهران: فرزاد روز.
- الشهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (۱۹۶۸م) *الملل و النحل*، تحقیق عبدالعزیز محمد الوکیل، قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکا للنشر و التوزیع.
- عمادالدین ادریس (۱۹۷۸-۱۹۷۳م) *عیون الاخبار و فنون الآثار*، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ / ۵۵

قاضی نعمان (۱۹۹۶م) *المجالس و المسایرات*، تحقیق ابراهیم شيوخ و حبيب فقی و محمد يعلاوی، بیروت: دارالمنتظر.

_____ (۱۹۷۰م) *افتتاح الدعوه*، ویرایش و داد القاضی، بیروت: بی‌نا.

_____ (بی‌تا) *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار*، بی‌جا: مؤسسه نشر الاسلامی (نشر الکترونیکی مرکز القائمیہ باصفهان للتحریات الکتیبوتریه).

قمی، سعدبن عبدالله (۱۹۶۳م) *المقالات و الفرق*، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران: بی‌نا. نوبختی، حسن‌بن موسی (۱۹۳۱م) *فرق الشیعه*، به‌کوشش هلموت ریتز، استانبول: الجمعیه الشرقیه الالمانیه.

واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق) *المغازی*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

یعقوبی، احمدبن اسحاق (بی‌تا) *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دارصادر.

الیمانی، محمدبن محمد (۲۰۱۹) *سیره الحاجب جعفر بن علی و خروج المهدي من سلمیه و وصوله إلى سجلماسه و خروجه منها إلى رقاده*، به‌کوشش حسام خضور، الطبعه العاشره، سلمیه: دار الغدیر للطباعه و النشر و التوزیع.

یاقوت حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۳۸۰) *معجم البلدان*، ترجمه علی نقی منزوی و دیگران، تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

- Al-Yamānī, Moḥammad b. Moḥammad (2019.) *Sīrat ul-Ḥāḣeb ja'far b. 'Alī wa korūj al-Mahdi men Salmīya wa wosuleh elā Sejmāsa wa korūjeh menhā elā Raqqāda*, by Hossam Khazour, 10th edition, Salmiyya: Dār al-Ġadir lil-Ṭebā'a wa al-Našr wa al-Towzi'. [In Arabic]
- Babaei Siab, A. (2022). The relationship between historiography and power in Ismaili discourse A case study of the Fatimid government. *Journal of Historical Perspective&Historiography*, 32(29), 33-54. doi: 10.22051/hph.2023.42231.1640. [In Persian]
- Babaei Siab, Ali (2022), *Historical Documents on the Emergence of the Fatimids, Arabic Texts Published by Vladimir Ivanov*, Qazvin: Imam Khomeini International University. [In Persian]
- Babaei Siab, A. , Janahmadi, F. and Aghajari, S. H. (2018). The Features of Fatimid's Historiography in Islamic Historiography Discourse. *Journal of Historical Perspective&Historiography*, 28(21), 33-51. doi: 10.22051/hph.2018.16984.1163. [In Persian]
- Babaei Siab, A. , Janahmadi, F. and Aghajari, S. H. (2019). The Historical Perspective of Isma'ilis Philosophical Components. *Journal of Historical Perspective&Historiography*, 29(23), 55-75. doi: 10.22051/hph.2019.22849.1283. [In Persian]
- Balādorī, Aḥmad b. Yahyā (2008) *Ansāb al-Ašraf*, Beirut: al-Ma'had al-Ālmānī lil-Abḥāṭ al-Šarqīya. [In Arabic]
- Daftari, Farhad (1997), *History and Beliefs of the Ismailis*, translated by Fereydoun Badra'i, second edition, Tehran: Farzān Rooz Publication. [In Persian]
- Ībn 'Enaba, Aḥmad b. 'Alī (1961). 'Omdat ul-Ṭāleb fi Ansāb āl Abī Ṭāleb, ed. Mohammad Hassan Al Taleqani, Qom: al-Šarif al-Razi. [In Arabic]
- Ībn Mālek Ḥammādi, Moḥammad (2006) *Kašf ul-Asrār al-Bāteniya wa Aḳbār al-Qarāmeṭa*, Cairo: al-Maktaba al-Azharīya lil-Torāt. [In Arabic]
- 'Īmād-al-Dīn Īdrīs (1973-1978.) 'Oyūn al-Aḳbār wa Fonūn al-Āṭār, researched by Mostafa Ghalīb, Beirut: Dār al-Andalus. [In Arabic]
- Ivanov, Vladimir (1939 AD), *Negotiations in the Fatimid Mahdi Movement*, Cairo: French Institute of Oriental Studies Press. [In Arabic]
- ḣovaynī, 'Alā'-al-Dīn 'Aṭā-Malek b. Moḥammad (1912-1937) *Tārīḳ-e jahāngošā*, edited by Mohammad b. Abdul-Wahhab Qazvini, Leiden: Brill. [In Arabic]
- Noūbaḳṭī, Hasan b. Mūsā (1931), *Firḳ al-Šī'a*, edited by Helmut Ritter, Istanbul: al-ĵām'īya al-Šarqīya al-Ālmānīya. [In Arabic]
- Qāzi No'mān (1970.) *Eftetāḣ ul-Da'wa*, edited by Wedad al-Qazi, Beirut: n.p. [In Arabic]
- Qāzi No'mān (1996.) *al-Majāles wa al-Mosāyarāt*, edited by Ebrahim Shobbuḣ wa Ḥabib Faḳī wa Moḥammad Ya'lawi, Beirut: Dār al-Montazer. [In Arabic]
- Qāzi No'mān (n.d.) *Šarḣ ul-Aḳbār fi Fażā'il al-A'imma al-Aḥār*, N.p: Mu'assese-ye Našr al-Eslāmī (Našr-e Elektronīkī-ye Markaz al-Qā'emīya bā-Esfahān lil-Taḥarriyāt al-Kompiyuteriya). [In Arabic]
- Qomī, Sa'd b. 'Abd-Allāh (1963 *Mal-Maqālāt wa al-firaq*, edited by Mohammad Javad Mashkoor, Tehran: n.p. [In Arabic]
- Šahrestānī, Abū-al-Faḥ Moḥammad b. 'Abd-al-Karīm (1968.) *al-Mīlal wa al-Nīḥal*, researched by Abdul Aziz Mohammad al-Wakil, Cairo: Mu'assīsat al-Ḥalabi wa Šorakā' lil-Našr wa al-Towzi'. [In Arabic]
- Waḳīdī, Moḥammad b. 'Omar (1988), *al-Maḡāzi*, Beirut: Mu'assīsat al-A'lamī lil-Maṭbu'āt. Ya'qubī, Aḥmad b. Īshāq (n.d.) *Tārīḳ al-Ya'qubī*, Beirut: Dār Šādīr. [In Arabic]
- Yāqūt Ḥamawī, Yāqut b. 'Abd-Allāh (2001) *Mo'jam ul-Boldān*, translated by Ali Naghi Monzavi and others, Tehran: National Cultural Heritage Organization. [In Arabic]



The method of historiography of Muhammad bin Muhammad Al-yamani in the historiographic discourse of the Ismailis¹

Ali Babaei Siab²

Received: 2025/01/29

Accepted: 2025/04/20

Abstract

Mohammad ibn Mohammad al-Yamani was one of the authors at the court of al-Aziz Billah, the fifth Fatimid caliph. The short treatise *Sirat al-Hajib* is the only surviving text by him that has historical content. This treatise, commissioned by the caliph of the time, recounts the events surrounding the Fatimid rise to power between 286 and 297 AH, based on the narratives of Ja'far ibn Ali al-Hajib, the personal advisor of Ubaydullah al-Mahdi. An eleven-year period in Fatimid history that began with the proclamation of the Imamate by Ubaydullah al-Mahdi and ended with the establishment of the Fatimid government in Raqqada. This treatise is the only Fatimid source that specifically describes an ambiguous period of Fatimid history from an internal organisational perspective. It seems that the treatise *Sirat al-Hajib* can be assigned to the Isma'ili historiographical discourse, as it exhibits characteristics of a sacred historiography with a theological approach, a combined method in narrating events, and reliance on eyewitness accounts and reliable sources of the Isma'ili historian. The research method in this article is qualitative content analysis and data collection based on library research.

Keywords: Historiography, *Sirat Al-hajib*, Mohammad ibn Muhammad Al-yamani

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. DOI: 10.22051/hph.2025.47749.174

2. Assistant Professor, Department of History, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran: babaeisiab@HUM.ikiu.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507